

# کتاب زندگی پرندگان



■ مفاهیم قرآنی با رویکرد تربیتی



بخش چهارم

خلقت شتر

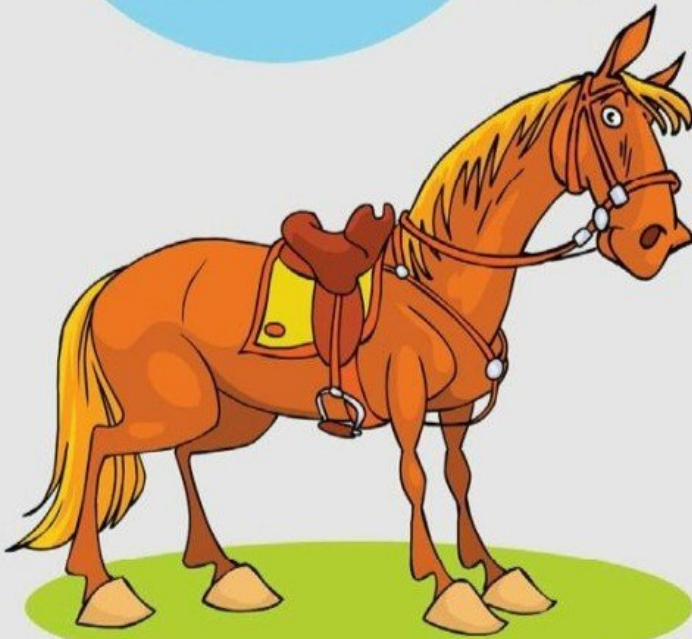
أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ  
كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

﴿سوره مبارکه غاشیة، آیات ۱۷-۲۰﴾

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟!  
و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟!  
و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده!  
و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است!؟

### قسمت دوم: ماشین های قدیمی

بابا از دمِ غروب یک هندوانه گرد و سبز را داخل حوض انداخته بود تا خنک بشود. قرار بود شب، عمو به دیدنمان بیاید. عمو صادق یک هفته بود که از سفر برگشته بود. بابا رحل قرآن را که روی تخت گذاشت، صدای زنگ خانه بلند شد. به من نگاهی کرد و گفت: " من می روم. " وقتی پشت در رسید، دستی به سر و صورتش کشید و آن وقت در را باز کرد. صدای بلند سلامِ عمو به گوشم رسید. به طرفشان رفتم. آن چنان همدیگر را بغل کرده و روبوسی می کردند که انگار عمو تازه از سفر برگشته بود. تا چشم عمو به من افتاد، سلام کردم. عمو با مهربانی گفت: " سلام! سلام! پسر گلم! نماز و روزه ات قبول! " و سرم را بوسید.



پدر به عمو تعارف کرد که روی تخت بنشیند اما عمو دست‌هایش را به ما نشان داد و گفت: "اول باید این دست‌های سیاه و کثیف و روغنی ام را بشویم و بعد خدمت می‌رسم." گفتم: "عمو جان مگر چه شده؟"

لب‌هایش را جمع کرد و گفت: "امان از این موتور خراب. هر چند وقت یکبار در راه خاموش می‌شود و آن‌قدر باید نازش را بکشم تا دوباره روشن شود." پدر خنده‌ای کرد و گفت: "هر چه باشد از دوچرخه آقا رضا بهتر است. دوچرخه آقا رضا دیگر با ناز هم راه نمی‌افتد."

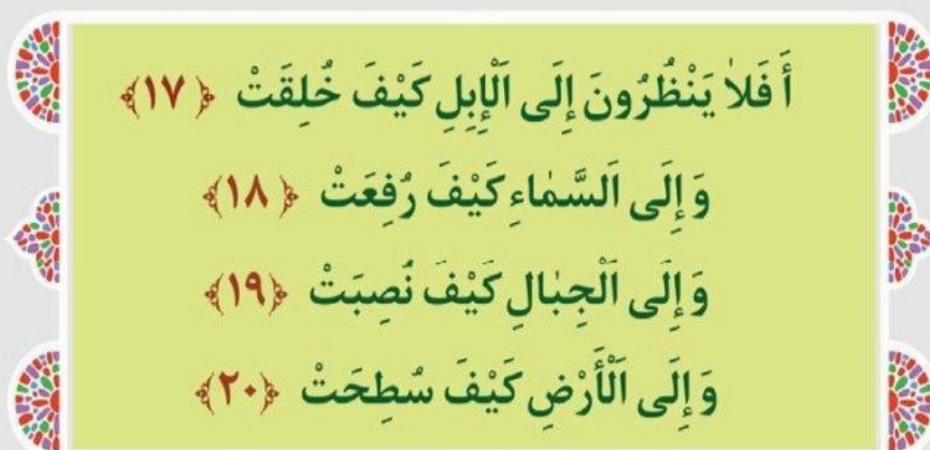
پدر راست می‌گفت. آن‌قدر این دوچرخه، اذیتم کرد که چند ماه است کنار حیاط گذاشته‌ام و نگاهش هم نمی‌کنم. پدر ادامه داد: "من هم بعد از چند سال که هر چه پول داشتم خرج ماشینم کردم، آن را فروختم و راحت شدم."

عمو همان‌طور که دست‌هایش را می‌شست، گفت: "صد رحمت به اسب و الاغی که ماشین قدیمی‌ها بود. کم خرج و پرفایده!"

پدر خنده‌کنان گفت: "بیا آقا صادق. بیا بشین یک چایی بخور تا از قرآن برایتان درباره همین ماشین‌های قدیمی بگویم. وقتی نشستیم قرآنش را باز کرد و آیات صفحه ۲۹۲ «سوره غاشیه» را شروع به خواندن کرد:



عمو مکثی کرد و گفت : "رضاجان این ها هم ویژگی های اهل بهشت"  
 من هم تایید کردم و گفتم : "خوب بعدش چه؟! پدر گفت: آهان حالا خدا می خواهد با یک سفر  
 علمی و تفریحی ما را به ۴ جا ببرد. اول باغ حیوانات. دوم بر فراز آسمان. سوم روی کوه های  
 بلند و در آخر روی زمین پهناور.  
 پدر شروع به خواندن ادامه آیات کرد .



"آیا آنان به شتر با دقت نگاه نمی کنند تا ببینند چگونه آفریده شده است. به آسمان نگاه نمی کنند  
 که چگونه بالای سرشان پخش شده است و به کوه ها تا ببینند که چگونه در جای خود محکم  
 قرار داده شده اند و به زمین که چگونه گسترده شده است."

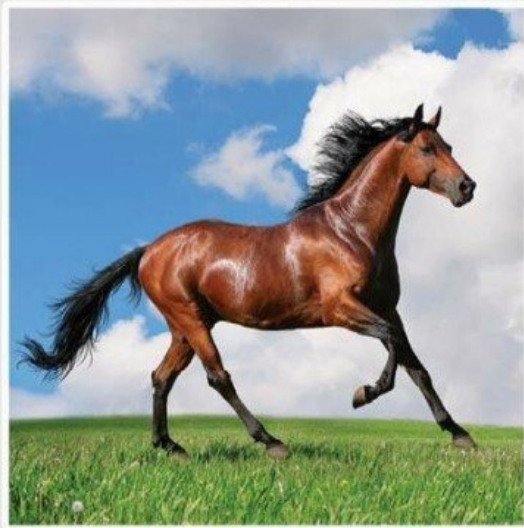
ناگهان دستی محکم روی پایم خورد و صدای خنده بابا بلند شد و گفت: "آقارضا، معلوم هست کجایی؟!  
 حواست که به ما نیست." به خودم آمدم و گفتم: "می دانید چه شد؟ اسم باغ حیوانات را که آوردید  
 ذهنم رفت سراغ باغ وحشی که دو سال پیش رفتیم. عجب جایی بود. داشتم یکی یکی به حیواناتی  
 که آنجا بود فکر می کردم. یادش بخیر." بابا گفت: "یادت هست چندتا شتر آنجا بود و مردم با آنها  
 عکس می گرفتند." گفتم: "بله چقدر هم بزرگ بودند." پدر اشاره به صفحه قرآن کرد و پرسید:  
 "آقا صادق، آقارضا؛ میدونید در این چهار سوالی که خداوند از آیه ۱۷ تا ۲۰ پرسیده چرا اول از همه  
 اسم شتر را آورده است؟" هنوز در فکر بودیم که سوال دوم را پرسید: اصلا می دانید چرا از بین  
 این همه حیوان سراغ شتر رفته و دستور داده روی آن فکر کنیم؟ مگر شتر چه ویژگی هایی دارد؟"



## جالب است بدانیم

جالب است بدانیم بر اساس دین اسلام برای حیوانات حقوقی در نظر گرفته شده و مسلمانان به رعایت آن سفارش شده اند. در اسلام، زدن حیوانات، مجاز نیست و نرمی و مدارا با حیوانات از اخلاق پسندیده به شمار می آید. در زندگانی امام سجاد علیه السلام چنین ذکر شده که ایشان چهل بار با شتر به سفر خانه خدا رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند هر حیوانی که سوار آن می شوید، شش حق بر گردن شما دارد.

۱. هر جایی که رسیدید به فکر غذای حیوان باشید.
  ۲. هرگاه به مکانی رسیدید که دارای آب بود، به حیوان آب بدهید.
  ۳. به صورت حیوان ضربه نزنید.
  ۴. بدون دلیل سوار حیوان نشوید.
  ۵. بیش از طاقت حیوان از آن کار نکشید و حیوان را به پیمودن مسیرهای سخت مجبورش نکنید.
  ۶. پوست حیوان را با آهن گداخته علامت گذاری نکنید.
- چه دین دوست داشتنی‌ای. دین واقعی یعنی این ...



## يك شگفتی ...



نوعی شتر وجود دارد که بسیار سریع حرکت می کند، نام این شتر «جمّاز» است این شتر می تواند ۱۸۰ کیلومتر را در ۲۴ ساعت طی کند. شتر عربی قادر است ۲۲۵ کیلوگرم بار را تا مسافت ۴۰ کیلومتر، در سه شبانه روز، بدون اینکه آب بیاشامد طی کند.



و تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ  
لَرؤُفٌ رَّحِيمٌ\* وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

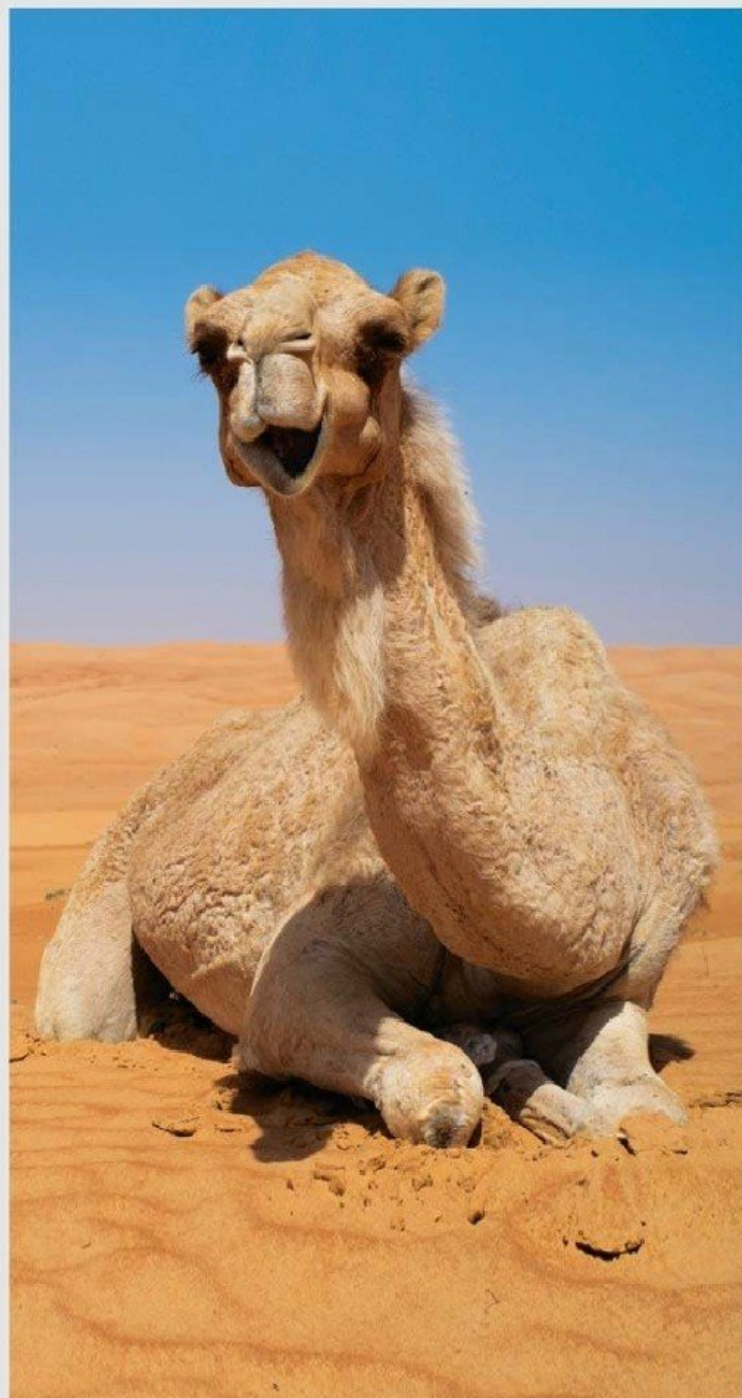
﴿سوره مبارکه نحل، آیه ۸-۷﴾

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقت و سختی،  
به آن نمی رسیدید؛ پروردگارتان بسیار مهربان است. اسب ها و استرها و الاغ ها  
را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید.

## قسمت دوم: کشتی بیابان

جلسه قرآن دیشب، بعد از کمی صحبت درباره شتر، تمام شد. چون عمو از سرکار آمده بود و خسته بود و من هم خوابم گرفته بود، جلسه را تمام کردیم. هرچند دوست داشتم بحث ادامه پیدا می کرد ولی بابا حال من و عمو را که دید، قرآن را بست و گفت: "برای امشب کافی است. به امید خدا فردا شب بحث شتر شناسی داریم! آقا رضا اگر دوست داشتی به چند تا از دوست هایت هم بگو بیایند که جلسه فردا شب جلسه خوبی خواهد بود."

ساعت ۸ و نیم بود که زنگ خانه زده شد. سجاد و رضوان بودند. از دوستان صمیمی چند ساله ام. با یک جعبه زولبیا آمده بودند. نمی دانم از آمدن آنها بیشتر خوشحال بودم یا از دیدن زولبیا.





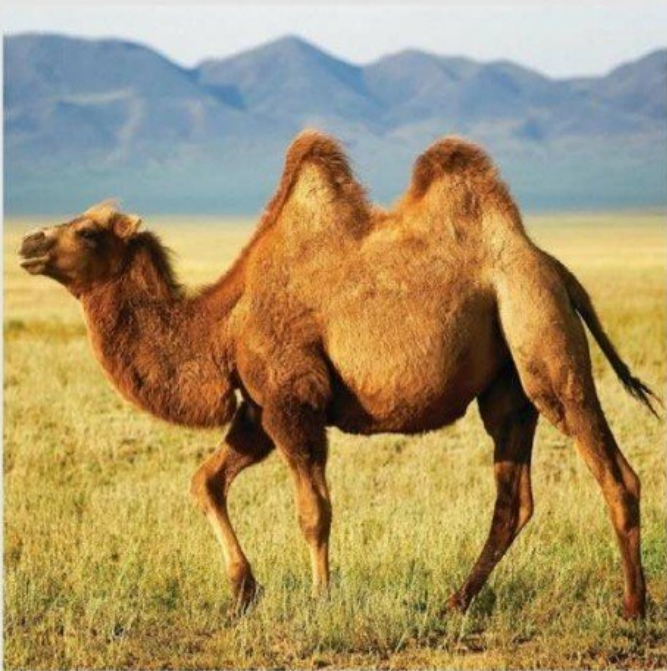


ساعت ۹ بابا آمد. روی تخت، کنار شمعدانی ها، سر جای همیشگی اش نشست. ما هم به دور او حلقه زدیم و حالا آماده شنیدن حرف هایش بودیم. بابا همین طور که قرآن را ورق می زد، حرفهای دیشب را مرور کرد و گفت: "دیشب صحبت از ماشین قدیمی ها شد. همان چهار پایانی که برای صاحبشان همه کاری می کردند نه اینکه فقط ماشین باشند.

پدر گفت: «در سوره غاشیه از حیوانی نام برده شده که بسیار شگفت انگیز است. قرآن به ما فرموده است: چرا به این حیوان نگاه نمی کنید تا از آن درس بگیرید»؟

با عجله گفتم: "منظور بابا شتر است. ماشینی که نه قدیمی ها بلکه جدیدی ها هم تا حدی از آن استفاده می کنند."

بابا خنده ای کرد و گفت: "خوب آقا رضا قرار بود فکر کنی و بگویی که شتر چه ویژگی هایی دارد که در بین این همه حیوان، خاص شده است."





گفتم: " فکر کرده‌ام ولی شما شروع کنید من هم هر چه بلد بودم می گویم." سجاد و رضوان هم از چهره خندانیشان معلوم بود از موضوع خوششان آمده و می‌خواهند بیشتر بدانند. بابا گفت: "شتر تنها حیوانی است که قرآن دستور داده به آن دقت کنیم تا ببینیم چگونه آفریده شده است. شتر ویژگی های عجیبی دارد. حیوانی بسیار مقاوم، سرسخت و تنومند است. ولی در عین حال بسیار آرام و اهلی می باشد. معروف است که اگر افسار شتر را به دست یک کودک خردسال بدهند، او می‌تواند شتر را هر جا که خواست ببرد."

سجاد که در روستا و در یک خانواده ای روستایی بزرگ شده بود گفت: "اگر شتر در بیابان در شرایط سرمای شدید و بارش باران قرار گیرد، به طرز شگفت آوری پاهای خود را باز می کند و به صاحب خود اجازه می‌دهد زیر بدن او پناه بگیرد تا از باران و طوفان در امان بماند."

رضوان گفت: "من هم خوانده ام که شتر می تواند دمای ۲۵ درجه زیر صفر تا ۷۰ درجه بالای صفر را تحمل کند."

بابا که از شرکت بچه ها در بحث خوشحال شده بود ادامه داد: "شتر اسم معروفی دارد که به او می گویند سفینه صحرا یا کشتی بیابان . می دانید چرا؟" ما به همدیگر نگاه کردیم. بابا گفت: بچه ها بیایید با هم به این فیلمی که در تبلتم هست نگاه کنیم تا عجیب بودن این حیوان برایمان مشخص شود و بدانیم چرا او را به این اسم می خوانند.

# کشتی بیابان



## گفتگو کنیم

قران آموز عزیز با توجه به فیلمی که مشاهده کردید، پس از گفتگو در گروه های چندنفره، نکات مربوط به عنوان های زیر را در جاهای خالی بنویسید.

### کوهان

---

---

---

---

### کمر و پوست

---

---

---

---

### گردن

---

---

---


---

بینی 

---

---

---

چشم 

---

---

---

گوش 

---

---

---

لب 

---

---

---

پا 

---

---

---

در فیلمی که نگاه کردید، شکل پای شتر را دیدید و علت آن را متوجه شدید. حالا دقت بیشتری کنید. به نظر شما چه تفاوت هایی بین پاهای شیر، اسب و گوسفند وجود دارد؟

بابا نفسی کشید و پایش را جا به جا کرد و گفت: آقا رضوان تا این جای کار از این همه دقت و نکته و شگفتی که در بدن شتر بود، لذت بردی؟ رضوان با خنده گفت: "به قول پدر بزرگ ها مبهوت شدم." سجاد گفت: "من تا حالا شترهای زیادی دیده بودم ولی نمی دانستم چنین چیزهای عجیبی در بدنش وجود دارد" من هم خشکم زده بود و ترجیح می دادم ساکت باشم و بیشتر بشنوم. ولی بابا رو به من کرد و گفت: "آقا رضا نکته ای که گفتیم تمامش برای این است که این شتر ماشین مناسبی باشد برای سفرهای طولانی در صحرا و بیابان. کاری که عرب ها زمان پیامبر (ص) زیاد انجام می دادند. اگر شتر یکی از این ویژگی ها را نداشت به درد این کار نمی خورد و سفر رفتن با او سخت می شد."

گفتم: "بابا ویژگی های شتر تمام شد؟" بابا گفت: "نه عزیزم. هنوز کجایش را دیده ای؟ یکی از ویژگی های دیگر مانده که نگفتم. تازه این حیوان چقدر برای ما آدم ها فایده دارد که همه اش را برایتان خواهم گفت. ولی برای امشب کافی است. ساعت ده و نیم است و دیر وقت است اگر خدا بخواهد فردا شب باز هم به سراغ این حیوان عجیبی که خداوند آفریده است خواهیم رفت."



چگونگی راه رفتن حیوانات از کلام امام صادق (ع) خطاب به یکی از شاگردان خود به نام «مفضل»:  
 به پای حیوانات نگاه کن. ببین که چگونه جفت جفت آفریده شده است  
 تا برای راه رفتن مناسب باشد.

اگر پاها این گونه خلق نمی شد برای راه رفتن مناسب نبود؛ زیرا کسی که راه می رود هنگامی که پاهایش را [برای حرکت] بر می دارد، بر پاهای دیگر تکیه می کند، حیوانی که دو پا دارد، یک پا را بر می دارد و بر پای دیگر تکیه می کند، حیوانی که چهار پا دارد، دو پا را بر می دارد و بر دو پای دیگر تکیه می کند. ولی این برداشتنها و گذاشتنها بر عکس است؛ یعنی یک پا از یک سمت و پای دیگر از سمت دیگر، یکی از عقب و یکی از جلو و چنین نیست که دو پای جلو را بردارد و بر دو پای عقب تکیه کند؛ زیرا در این حالت بر زمین ثابت نمی ماند همان طور که اگر دو پایه تخت یا صندلی را بردارند به زمین می افتد. در نتیجه از دستها [که در جلو است]، دست راست و از پاها، پای چپ را بر می دارد، بار دیگر دست چپ و پای راست و به همین ترتیب راه می رود و بر زمین می ماند و در هنگام راه رفتن بر زمین نمی افتد.





## يك شگفتی ...



### پاهای حلزون:

حلزون روی پایی راه می رود که در قسمت شکمش دو قسمت می شود.

### پاهای پروانه:

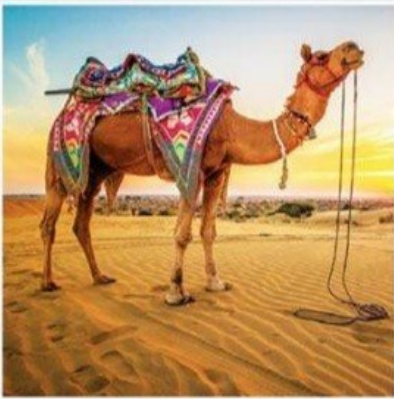
پروانه از پاهایش علاوه بر نشستن روی گل ها، برای کشف شهد های خوش مزه هم استفاده می کند. می دانید چرا؟ برای این که گیرنده های حسی پروانه در پاهایش قرار دارد.



### پاهای پنگوئن:

پنگوئن امپراتور با گرمای پاهایش تخم های ظریف یا جوجه های تازه به دنیا آمده را از یخ و سرما حفظ می کند. پوست لطیف و پرهای گرم و نرم شکمش، محل خوبی برای نگه داری تخم ها و جوجه هاست.



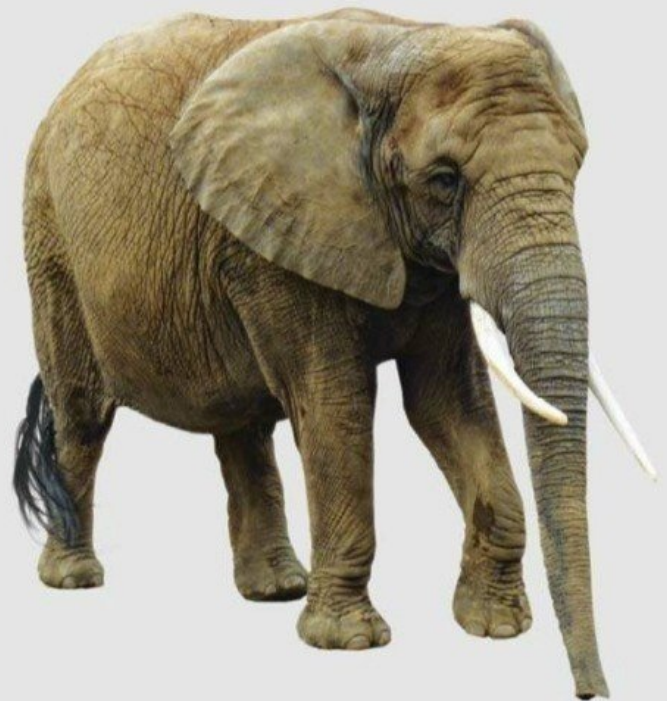


### پاهای شتر و خرگوش:

پاهای خیلی بزرگ و پهن به تقسیم و توزیع وزن حیوانات کمک می کند. مثلاً پاهای پهن شتر مانع فرو رفتن در شن های نرم می شوند و یا از فرو رفتن خرگوش در برف جلوگیری می کند.

### پاهای فیل:

فیل نه تنها با خرطومش بلکه با پاهایش هم می تواند کارهای ماهرانه ای انجام دهد. بافت اسفنجی زیر پاهایش می تواند در زمین صدایی تولید کند که فیل های دیگر از فاصله دور آن را حس کنند.



### پاهای هزار پا:

آیا هزار پا واقعاً هزار پا دارد؟ هیچ هزار پایی وجود ندارد که هزار پا داشته باشد. به طور متوسط هر هزار پا حدود ۱۰۰ البته بعضی ها بیشتر از ۱۰۰ جفت وعده ای کمتر از ۳۰ جفت پا دارند. هزار پایان جزء قدیمی ترین موجودات این کره خاکی هستند. هزار پاها از تخم بیرون می آیند ، بعضی از گونه های آنان با پاهای کامل و بعضی با تعداد اندکی پا به دنیا می آیند که هر چند وقت یکبار چند جفت پا اضافه می کنند تا به بلوغ کامل برسند. پاهای زیاد هزار پا هنگام پنهان شدن او زیر سنگ ها و صخره ها هنگام روز برایش مشکل درست می کند. برعکس ظاهر ترسناک آنها، نباید از آنها زیاد ترسید، چون مقدار سمی که در شاخک های آنها وجود دارد، فقط برای کشتن يك پرنده کافی است و نمی تواند آسیب جدی به انسان وارد کند.









## داستان باغ حیوانات

### قسمت چهارم: کشتی پرفایده



صدای پدر از حیاط به گوشم رسید که می گفت: "اگر تا یک دقیقه دیگر نیایی، باید فاتحه پدر مظلوم و گرسنه ات را بخوانی." توی آشپزخانه بودم. با عجله کاسه فرنی را از یخچال بیرون آوردم. توی سینی گذاشتم و پیش بابا بردم. گفتم: "بابا شما که تازه افطار کردید. چطور شد به این زودی گرسنه تان شد؟"

بابا گفت: "چه کار کنم تقصیر خودت است. از بس از فرنی خوشمزه ات تعریف کردی شکم من هم

همه چیز را شنید و شروع کرد به قاروقور. مگر حریفش می شوم!" قاشق را برداشت و گفت: "به دستت درد نکند." یکی دو قاشق که خورد، گفت: "واقعا خیلی خوشمزه است. بگذار قرآنمان را که خواندیم یک کاسه فرنی برداریم و به خانه عمه خانم برویم." گفتم: "نه بابا آبرویم می رود."

بابا گفت: "بگذار آبرویت برود تا عمه جان بفهمد چه معجونی درست کردی و هر شب چه معجون هایی به من می دهی. خیلی پهلوانم که تا حالا از پا در نیامده ام." قاه قاه خندید. من هم خندیدم و گفتم: "جدا؟! بابا گفت: "نه بابا. شوخی کردم. عمه جان اگر فرنی ات را بخورد قوت می گیرد و دوباره راه می افتد. لعنت خدا بر شیطان رجیم." و قرآن را آرام باز کرد. نگاهی به من کرد. گفتم: "بفرمایید." بابا شروع کرد به خواندن:



وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ  
مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ

﴿سوره مبارکه النحل، آیه ۶۶﴾

و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهایی) عبرتی است:  
از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون،  
شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم!



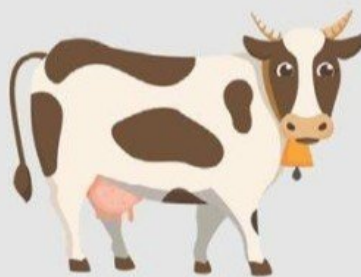
گفتم: "بابا من امشب هیچ حرفی ندارم که بزنم."

بابا گفت "فرنی شما همه حرف ها را زد."

گفتم: "بابا شوخی بس است."

بابا گفت: "جدی می گویم. به نظر شما تبدیل کردن شیر به یک غذای  
مقوی و خوشمزه دیگر، کار عجیب و جالب نیست؟ آن هم خیلی ساده  
و راحت! یعنی ما می توانیم از ترکیب یک یا دو نوع ماده به هم، مثل  
شیر، ده ها نوع غذای دیگر با طعم و شکل و کیفیت های مختلف  
درست کنیم. حالا کدام غذا را شما سراغ دارید که بشود این همه روی  
آن، تغییر و تحول ایجاد کرد؟"

گفتم: "کره، خامه، کشک، سرشیر، دوغ."





بابا گفت: " و فرنی! و تازه هر کدام هم انواع و اقسام مختلفی دارد. ما انواع مختلف پنیر و کره داریم. حالا شما باورت می شود که مادر همه این مواد غذایی مفید و خوشمزه شیر باشد؟ و آیا باورت می شود که شیر، این ماده سفید و خالص از میان غذاهای هضم شده و از لابه لای خون بیرون بیاید؟"

یک لحظه به خودم آمدم و با تعجب گفتم: "بابا! مگر دیشب قرار نگذاشتیم که امشب هم درباره شتر حرف بزنیم؟! "بابا با خنده گفت: "این که تقصیر من نیست. تقصیر فرنی پرماجرای شماست."

بعد کمی مکث کرد و گفت: "البته فرنی شما هم بی ربط به بحث امشب نیست. یادت هست دیشب گفتم شتر فایده های بسیاری برای ما انسان ها دارد؟" گفتم: "بله یادم هست."

بابا گفت: "یکی از فایده های مهم شتر همین شیر اوست. شتر در سخت ترین شرایط و حتی وقتی بسیار تشنه است، شیر می دهد. در شرایط عادی، شتر روزانه بین ۵ تا ۱۰ کیلوگرم، شیر می دهد. آقا رضا، امام کاظم (ع) می فرمایند: خداوند در شیر شتر شفا قرار داده است."

بابا دستش را برد زیر رحل و کاغذی را بیرون آورد و به دست من داد و گفت: "بخوان. اینها درباره یکی از فایده های شتر یعنی شیر است. بلند بخوان."

من هم شروع کردم به خواندن:

"آشامیدن این شیر باعث تقویت چشم می شود.

شیر شتر درمان مناسبی برای کبد چرب، چربی های زیر پوستی و رفع بی اشتهاهی است. برای فشار خون بسیار خوب است. این شیر برای ناراحتی معده مفید است. برای بهبود بیماری های عفونی مثل سل موثر است. برای درمان دیابت و پوکی استخوان هم موثر است. این شیر برای درمان تب، سرما خوردگی، مشکلات کبد هم استفاده می شود. ویتامین شیر شتر سه برابر شیر گاو است و ۱۰ برابر شیر گاو عنصر آهن و کلسیم دارد خاصیت دیگر این شیر محافظت از لثه و دهان و دندان است.

این شیر خیلی بیشتر از شیر گاو سالم می ماند و خراب نمی شود. همچنین خوردن این شیر باعث تقویت هوش و قدرت تفکر انسان می شود.

آهی کشیدم و با خنده گفتم: "بابا بدجور دلم شیرشتر می خواهد."

بابا هم خنده ای کرد و گفت: "من هم فرنی با شیر شتر می خواهم."

هر دو خندیدیم. بابا گفت: "فایده های شیر شتر بیشتر از اینهاست. من از مقاله ای که

دیروز آن را خواندم، این چندتا را یادداشت کردم. تازه این یک فایده شتر بود بقیه

فایده ها را پشت برگه نوشتم. اگر خواستی بعد جلسه خودت بخوان."





پشت برگه نوشته بود:

فایده های دیگر شتر:

۱. گوشت: طبیعتی گرم دارد و برای جلوگیری از بیماری های قلبی مناسب است.

۲. حمل بار: ویژگی عجیب شتر در هنگام حمل بار آن است که برای بارگیری روی زمین می خوابد و پس از آن که باری حدود ۳۰۰ کیلوگرم در پشت او قرار گیرد، به صورت شگفت انگیزی از زمین بلند می شود طوری که حیوانات دیگر نمی توانند این کار را انجام دهند. شتر برای این کار از گردن بزرگ خود به عنوان اهرم استفاده می کند و با دو دست خود، بدون اینکه بار بیافتد، از زمین بلند می شود.

۳. تحمل تشنگی: اگر انسان یک درصد آب بدن خود را از دست بدهد، احساس تشنگی می کند. اگر ۵ درصد از بین برود تعادل خود را از دست می دهد، اگر ۱۰ درصد از بین برود، گوش های او چیزی نمی شنود و ضعف بر او غلبه می کند. اگر ۱۲ درصد از بین برود، حتی اگر به آب هم برسد، نمی تواند آن را بنوشد و شانس زنده ماندن او کم می شود. در حالی که اگر ۲۰ درصد آب بدن شتر از دست برود، باز هم می تواند سر پا بایستد. شتر می تواند ۱۰ روز تا ۲ هفته بدون آب در سخت ترین شرایط به حرکت خود ادامه دهد. در حالی که انسان نمی تواند بیش از سه روز تشنگی را تحمل کند. نکته جالب این است که حتی آب شور و تلخ و گل آلود هم تشنگی شتر را بر طرف می کند.

۴. استقامت: شتر قوی ترین و مقاوم ترین حیوان اهلی است. کف پهن پای او و دست و پای درازش، باعث می شود از زمین های سخت و ناهموار، با برداشتن گام های بلند به راحتی عبور کند. شتر هنگام سفر در بیابان، از خار و خاشاکی که سایر حیوانات هرگز نمی توانند آنها را بخورند، تغذیه می کند.

۵. پوست، پشم، کرک و روغن: شتر از حیواناتی است که همه اجزای بدنش قابل استفاده است. از چرم شتر، کفش و از کرک آن، عبا، زیر انداز، رو انداز و طناب و از پشم شتر، چادر، پتو و لباس تهیه می کنند. همچنین بهترین داروی بدون ضرر برای درمان چروک، و سیاهی دور چشم و درد استخوان، استفاده از روغن شتر است.

تنها ویژگی بسیار زشت و بسیار خطرناک شتر!!!

## کینه شتری

شتر که در میان حیوانات ، مهربان ترین و اهلی ترین حیوان جهان است ، یک ویژگی دارد که هم بد است و هم خطرناک. به این ویژگی کینه شتری می گویند. وقتی شتر کینه کسی را در دل بگیرد به هیچ وجه نمی توان امید عفو و گذشت از وی را داشت و هرگونه مهربانی و محبت بعدی نمی تواند شتر را آرام کند. شتر خشمگین همواره منتظر فرصت مناسبی است تا انتقامش را از کسی که او را اذیت کرده، بگیرد.

مراقب باشیم که این ویژگی را از شتر یاد نگیریم که به ما نگویند:

" آدم کینه ای "

البته نسبت به دوستانمان نه دشمنانمان  
با دشمنان باید کینه شتری داشت

